



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)

Vol.3 / No.6 / Autumn & Winter 2025

P-ISSN: 2980-7808

E-ISSN: 3092-7919

<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

The Relationship between Desirable Governance and the Accountability System in Iran

Alireza Zahiri 

Assistant Professor, Department of Political Science, Research Center of Political Science and Thought, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, I. R. Iran

Email: d_zahiri@yahoo.com



Citation

Zahiri, A (2025). The Relationship between Desirable Governance and the Accountability System in Iran, *Aeine Hokmrani*, 3(6), 237-268

 [10.22034/ah.2025.2068502.1066](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2068502.1066)

Type of Article: Research Article

Received: 10 August 2025

Revised: 11 October 2025

Accepted: 04 November 2025

Publish Online: 22 December 2025

Abstract

Desirable governance requires the proper organization of state–citizen relations and its most important dimension is the existence of an efficient system of responsibility and accountability. Despite legal frameworks for the oversight and accountability of officials and governmental institutions regarding their delegated responsibilities, the accountability system in Iran has not demonstrated the necessary effectiveness and faces various obstacles and challenges. The central question is what factors have challenged accountability in Iran and what the optimal solutions for improving the accountability system are. Despite certain critiques of its epistemological foundations, the desirable governance model provides a suitable framework that, through the articulation of structural and functional indicators, offers a better basis for evaluating and improving governance systems. The findings of the study suggest that the challenges of accountability in Iran stem from both structural and functional obstacles within the governance system. These include discursive tensions regarding the scope and authority of political institutions, an imbalance in the level of oversight and accountability among the branches of government, ambiguity in identifying responsible individuals or institutions, the absence of an efficient information system, weaknesses in merit-based governance, the lack of an effective accountability mechanism, the inefficiency of some managers, and the presence of widespread administrative corruption. To overcome these challenges, at least five measures have been proposed: structural reform of the state and enhancement of its capacity and efficiency; increasing the level of political participation and strengthening political institutionalization; adherence to the rule of law; transparency and free flow of information; and, finally, resolving group-based conflicts through consensus-building. These constitute the most essential measures for addressing accountability challenges in Iran.

Keywords

desirable Governance, Accountability, Responsibility, Political Institutionalization, Rule of Law.





نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

علیرضا زهیری 

استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران
d_zahiri@yahoo.com



استناد به این مقاله:

زهیری، علیرضا (۱۴۰۴)، نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران، نشریه آیین حکمرانی، ۳(۶)، ۲۶۸-۲۳۷

 [10.22034/ah.2025.2068502.1066](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2068502.1066)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

حکمرانی مطلوب، نیازمند به سامانی مناسبات دولت و شهروندان است و مهم‌ترین جنبه آن، وجود یک سیستم بهینه مسئولیت‌پذیر و پاسخگو می‌باشد. با وجود قوانین نظارت و پاسخگویی کارگزاران و نهادهای دولتی در قبال مسئولیت‌های واگذار شده به آنان، نظام پاسخگویی در ایران، کارآمدی لازم را نداشته و با موانع و مشکلاتی روبه‌روست. پرسش این است که چه عواملی پاسخگویی در ایران را با چالش روبه‌رو کرده و راهکار بهینه‌سازی نظام پاسخگویی چیست؟ الگوی حکمرانی مطلوب، با وجود برخی انتقادات به زمینه‌های شناختی آن، چهارچوب مناسبی است که از راه بیان شاخص‌های ساختاری و کارکردی، امکان بهتری برای ارزیابی و به سامانی نظام‌های حکمرانی به دست می‌دهد. دستاوردهای پژوهش، این انگاره را پیش رو قرار می‌دهد که چالش‌های پاسخگویی در ایران، ناشی از موانع و مشکلاتی هم در سطح ساختار و هم کارکردهای نظام حکمرانی از جمله تعارض گفتمانی درباره حدود و اختیارات نهادهای سیاسی، عدم تعادل در میزان نظارت و پاسخگویی قوای کشور، ابهام در تعیین افراد یا نهاد پاسخگو به همراه نبود سیستم اطلاعات کارآمد، ضعف در حاکمیت شایسته‌سالاری، نبود سیستم کارآمد پاسخگویی، ناکارآمدی برخی مدیران و وجود فساد گسترده اداری است. برای برون‌رفت از این چالش‌ها، دست‌کم پنج اقدام پیشنهاد شده است. اصلاح ساختاری دولت و توانمندسازی و کارایی آن؛ افزایش سطح مشارکت سیاسی و تقویت نهادمندی سیاسی؛ پیروی از حاکمیت قانون؛ شفافیت و جریان آزاد اطلاعات و سرانجام حل تعارض‌های گروهی از راه اجماع، از مهم‌ترین اقدام‌هایی است که برای حل چالش‌های پاسخگویی در ایران ضروری است.

واژگان کلیدی

حکمرانی مطلوب، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، نهادمندی سیاسی و حاکمیت قانون.

آیین حکمرانی



در شیوه‌های سنتی اداره امور عمومی، بوروکراسی تبدیل به سازمان اجتماعی غیرمردمی شده بود. دخالت حداکثری دولت برای ایجاد عدالت، بیشتر با فساد و سوءاستفاده از موقعیت‌های دولتی همراه شد. اهمیت نقش پررنگ دولت در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ و اندازه و قابلیت بخش دولتی، آماج انتقادهای گسترده‌ای قرار گرفت. ازسویی مناسبات نیروهای اجتماعی با نظام سیاسی که پیش‌ازاین سلسله‌مراتبی و بدون مشارکت مردمی بود، زیرسؤال رفت. این وضعیت سبب شد در دهه هفتاد میلادی، تحول در نظریه‌های اقتصادی رخ دهد. یکی از این نظریه‌ها باعنوان نظریه وکیل - اصیل، دولت را وکیل مردم و مردم را اصیل و ارباب دولت می‌شمرد که باید در برابر مردم، مسئول و پاسخگوی اقدام‌های خود باشد.

آون هیوز براین باور است که هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگویی است تا به طریقی عمل کند که موردتأیید جامعه باشد. پاسخگویی، مبنای هر جامعه‌ای است که ادعا می‌کند دموکراتیک است. از نگاه او، لازمه دموکراسی، داشتن یک سیستم پاسخگویی مناسب است. سازمان‌های دولتی، به‌وسیله مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آنها پاسخگو باشند (هیوز، ۱۳۷۸، ص ۲۸۲). فرض بر آن است که همه اقدام‌های دولت، درنهایت همان اقدام‌های شهروندان است که از راه نمایندگان آنها انجام می‌شود. به‌قول «دانا هیو»، لازمه تأمین منابع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگویی است تا به‌این ترتیب شهروندان، مطمئن شوند که درنهایت کوشش از سوی کسانی که به‌نام آنها اقدام می‌کنند، به‌عمل آمده است (همان، ص ۲۷۸). در کشورهای درحال توسعه، بین خواست شهروندان و نظام اداری دولت، همیشه یک مشکل اساسی وجود دارد و آن، بی‌اعتمادی شهروندان به دولت و ساختار اداری آن است که ریشه این بی‌اعتمادی، کارایی نیست، بلکه نبود پاسخگویی است (دنهارت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

شواهد جهانی، گویای آن است که یک حکومت توانمند، با نهادهای دولتی شایسته و شفاف، پیوندی مستقیم با رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و دستاوردهای اجتماعی دارد. در کشورهایی که نهادهای دولتی کارآمد، درست‌کار و مبتنی بر شایسته‌سالاری هستند، قوانین و

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

مقررات ساده و روشن هستند، حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود، سیاست‌ها و چهارچوب‌های قانونی در تصرف گروه‌های ذی‌نفوذ نیست، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی صدای مستقلی دارند که پاسخگویی دولت‌ها را ارتقا می‌دهد، درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها و رشد افزایش می‌یابند و امید به زندگی طولانی‌تر پدیدار می‌شود (Vinod, 2000, p.136).

۱. اهمیت پاسخگویی

پاسخگویی از ابزار مهم مبارزه با فساد و پیش‌نیاز اساسی جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت است. در یکی از پژوهش‌هایی که با روش تحلیل محتوای مضمون و با هدف طراحی الگوی مبارزه با فساد انجام شده، به این نتیجه رسیده است که یکی از پربسامدترین مضامین که توانسته است از شاخص‌های اصلی این الگو قرار گیرد، مضمون «پاسخگویی» است. در همین پژوهش نتیجه می‌گیرد که برای مبارزه با فساد، نمی‌توان تنها بر یک بُعد خاص تمرکز کرد، بلکه باید بر تمامی ابعاد توجه نمود. برای مثال اگر بر حوزه ارتقای ظرفیت‌های مردمی یا سازماندهی نظام سیاسی و پاسخگویی، توجهی نشود و تنها به دنبال اصلاحات اقتصادی یا نظارتی باشیم، بعید است که شاهد ریشه‌کنی فساد باشیم (زرندی و واعظی، ۱۳۹۸، ص ۹۹-۱۰۲).

مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، رابطه مستقیمی با کارآمدی و مشروعیت نظام سیاسی دارد. به همین سبب اودوک در پژوهش‌های خود، حکمرانی خوب را به مثابه «یک سیستم حکومتی مبتنی بر رهبری خوب، احترام به حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی رهبران سیاسی به رأی‌دهندگان و همچنین شفافیت در عملکردهای دولت» می‌داند. پاسخگویی به عنوان بخشی از حکمرانی خوب، به این واقعیت اشاره دارد که کسانی که موقعیت‌های رهبری یک نظام را اشغال می‌کنند، باید خود را در معرض اراده و میل جامعه و مردم پاسخگو بدانند (مقدری، ۱۳۹۸، ص ۵۸).

۲. مفهوم‌شناسی پاسخگویی

برای ارائه تعریف روشن از واژه پاسخگویی، باید جنبه‌های گوناگون به‌کارگیری آن مشخص شود. درباره پاسخگویی، دست‌کم به سه جنبه می‌توان اشاره کرد:

۲-۱. جنبه‌های کاربردی پاسخگویی

الف) جنبه نخست: به‌عنوان ابزار نظارت و کنترل قدرت و پیشگیری از سوءاستفاده از اختیارات عمومی؛ دولت مهم‌ترین منبع تدوین سیاست‌ها، اجرای تصمیم‌ها و تخصیص ارزش‌های مادی و معنوی به‌شمار می‌آید. داشتن بیشترین امکانات کنترل و هدایت جامعه، ظرفیت فزاینده‌ای در اختیار دولت قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری غیرقانونی یا غیراخلاقی، زمینه‌های فساد و تباهی منابع عمومی را فراهم کند. امروزه پاسخگویی با هدف نظارت بر دولت، در همه نظام‌های سیاسی، نقش محوری دارد. با توجه به قدرت نامحدود و تهدیدکننده دولت و امکان سوءاستفاده از آن، فرایندها و سازوکارهایی برای نظارت بر آن پیش‌بینی شده است.

ب) جنبه دوم: تضمینی بر به‌کارگیری صحیح منابع ملی و کارآمد ساختن فرایند سیاست‌گذاری؛ صیانت از ارزش‌های خدمات عمومی و تبعیت از قانون؛ برخلاف جنبه نخست که بر جلوگیری از فساد در قدرت عمومی تمرکز داشت، هدف دوم به کارایی دولت در استخراج و بهره‌برداری از منابع ملی توجه کرده است. در اینجا نظارت بر دولت و پاسخگویی نسبت به اقدام‌هایی است که برای پیشرفت و بهبود ارائه خدمات عمومی انجام شده است.

ج) جنبه سوم: به‌عنوان کارویژه دولت در پاسخ به تقاضاهای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها، عملکرد یا توانایی پاسخگویی، توانایی نظام در برابر تحرکات پیرامون و تقاضاهای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها را نشان می‌دهد. برخی نظام‌ها در برابر تقاضاهای پیرامون خود واکنش سریع و مناسب نشان می‌دهند و پاره‌ای دیگر در برابر آن، انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. این جنبه از پاسخگویی برخلاف دو مورد پیشین که بیشتر اداری و حقوقی بوده‌اند، جنبه‌های سیاسی قوی‌تری دارد و به ثبات سیاسی مربوط می‌شود.

۲-۲- تعریف پاسخگویی بر مبنای دو جنبه نخست

چه پاسخگویی را کنترل قدرت برای پیشگیری از فساد (جنبه نخست) بدانیم یا نظارت بر اقدام‌های دولت و ارزیابی آن در جهت بهبود ارائه خدمات عمومی (جنبه دوم)، می‌توان تعریف مشترکی ارائه کرد که وجه اداری و حقوقی آن برجسته است.

از این رو و در مجموع در تعریف پاسخگویی در علوم اداری، پاسخگویی یعنی جوابگویی، مسئولیت‌پذیری، قدرت مسئولیت، پذیرش مسئولیت نسبت به نتیجه‌های موردانتظار و فرایندی است که در ضمن آن، همه اعضای سازمان در برابر اختیارات و وظایف محوله باید پاسخگو باشند (فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۱۳). از منظر حقوقی، پاسخگویی، حالتی است که در آن، کارکنان دولت - اعم از کارکنان و مقامات عالی‌رتبه، انتخابی و انتصابی - موظف شوند تا درباره تصمیم‌ها و اقدام‌هایشان به شهروندان توضیح دهند و پاسخگویی دولت با استفاده از سازوکارهای مختلفی به دست بیاید (نقیبی مفرد، ۱۳۹۶، ۱۲۷)

جنبه سوم پاسخگویی به توانایی دولت در پاسخ به تقاضاهای برآمده از شهروندان اشاره دارد. این جنبه از پاسخگویی، پیوند وثیقی با رضایت‌مندی شهروندان و مشروعیت حکومت دارد و سبب ثبات سیاسی می‌شود. توانایی پاسخگویی، توانایی نظام در برابر تحرکات پیرامون و تقاضاهای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها را نشان می‌دهد. برخی نظام‌ها در برابر تقاضاهای پیرامون خود، واکنش سریع و مناسب نشان می‌دهند و پاره‌ای دیگر در برابر آن، انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. این مسئله به فرهنگ سیاسی، نوع رژیم و اهمیت فرد در نظام اجتماعی بستگی دارد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

۳. الگوی حکمرانی مطلوب

رویکردهای گوناگونی درباره مبارزه با فساد پیشنهاد شده است، اما بیشتر آنها در اجرا شکست خورده‌اند. در این میان حکمرانی خوب، به سبب توجه به جنبه‌های گوناگون حکمرانی و اتصال زنجیره‌های میان هریک از مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی آن و همچنین در نظر گرفتن کیفیت حکمرانی - که از مؤلفه‌های مؤثر در سیاست‌های ضدفساد می‌باشد - در سیاست‌های

ضدفساد موفق‌تر عمل می‌کند (پاک‌سرشت و افشار، ۱۳۹۶، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

این الگو، یک پیشنهاد عمومی برای اصلاح روندهای حکمرانی و افزایش کارایی و اثربخشی دولت و پذیرش بازیگران غیردولتی در فرایند حکمرانی و اعطای نقش گسترده‌تر به نهادهای جامعه مدنی است. از این رو حکمرانی خوب، باوجود برخی انتقادات به آن، ظرفیت قابل توجهی را برای اصلاح فرایندهای حکمرانی داراست. این انتقادات، بیشتر به جنبه‌های معرفت و خاستگاه تولد آن برمی‌گردد که مورد توجه این پژوهش نیست و تنها به‌مثابه یک الگوی تجربی پیشنهادی برای ارزیابی دولت به‌شمار می‌آید.

از اواخر دهه هشتاد، مطالعات بی‌شماری درباره عملکرد ضعیف کشورهای که نتوانستند به توسعه دست یابند، انجام شد و روشن ساخت که حکمرانی، مسئله‌ای اساسی در راهبرد توسعه این دسته از کشورهاست.

این مطالعات به‌روشنی آشکار کرد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اواخر قرن گذشته، با چالش‌های فزاینده‌ای ناشی از افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و بی‌قاعدگی سیاسی، ازدیاد شکاف‌های درآمدی و فرهنگی، گسترش آلودگی‌های زیست محیطی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی، روبه‌رو شدند. در پاسخ به اوضاع نامطلوب این جوامع، بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، در جست‌وجوی الگوهای تازه‌ای بودند که بیشتر بر مهندسی اجتماعی تکیه داشت تا بر مهندسی فنی. الگوهای مهندسی اجتماعی، بر رویکردهای شهروندمدار تأکید داشت و بخشی از حکمرانی را برعهده شهروندان و به تعبیری، جامعه مدنی می‌گذاشت. در الگوهای جدید، چگونگی تعامل دولت و شهروندان از اهمیت برخوردار است و دیگر، دولت‌ها بازیگر اصلی به‌شمار نمی‌آیند، بلکه بازیگران گوناگونی از جمله دولت، نهادهای مدنی و شهروندان، در جامعه حضور دارند. به این ترتیب الگوی حکمرانی خوب، به عنوان الگوی مطلوب مدیریتی در چنین شرایطی شکل گرفت.

مفهوم حکمرانی (Governance) گسترده‌تر از حکومت (Government) است. حکومت به‌طور مشخص، با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین، و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن، سروکار دارد؛ در حالی که در تعریف حکمرانی، سه

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

اصطلاح مورد توجه صاحب نظران قرار می گیرند: پاسخگویی و حساب پس دهی، مشروعیت، و شفافیت (پورعزت، ۱۳۸۷، ص ۱۹-۱۸). از این رو حکمرانی خوب، افزون بر دارا بودن حکومت خوب، نهادهای خارج از حکومت را نیز در حکمرانی مشارکت می دهد.

حکمرانی خوب دارای دو جنبه است: ساختاری و کارکردی.

الف) جنبه ساختاری که از گونه ای حکمرانی سه وجهی سخن می گوید. این سه وجه دولت، بخش خصوصی (بازار) و نهادهای مدنی را در بر می گیرد.

نکته کلیدی این نظریه، تعامل و همکاری سه بخش دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی است که بر نظام شراکتی تأکید دارد و از راه دخالت دادن مردم در حکمرانی، ابعاد حکمرانی را گسترش داده و امکان توزیع قدرت را فراهم می آورد و مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است. این نوع حکمرانی، به کیفیت دخالت حکومت توجه دارد.

این الگو، ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است: ۱. نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست گذاری های عمومی؛ ۲. بخش خصوصی عامل تولید در تقویت سرمایه گذاری در رشد تولید ناخالص ملی؛ ۳. نقش دولت به عنوان تسهیل کننده فعالیت های عمومی در فراهم سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه.

ب) جنبه کارکردی که به حداقل هشت کارویژه برای حکمرانی خوب اشاره دارد.

در گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه،^۱ حکمرانی خوب دارای هشت ویژگی عمده است. این ویژگی ها عبارتند از: مشارکت عمومی از طریق نهادهای مدنی، اجماع محوری، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، اثربخشی و کارایی، عدالت و فراگیری و پیروی از حاکمیت قانون بر پایه قانونی عادلانه و اجرای بی طرفانه آن.

۱. این گزارش در سه صفحه، در پایگاه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد درج شده است. آدرس: <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>

در تعریف‌های گوناگون از حکمرانی خوب، دو مؤلفه شفافیت و پاسخگویی، پربسامدترین هستند. برای مثال کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، ویژگی‌های حکمرانی خوب را این چنین برشمرده است: شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت و همچنین میزان پاسخگوبودن در برابر نیازهای شهروندان. در تعریف‌های دیگری که به وسیله کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه و همچنین برنامه توسعه سازمان ملل ارائه شده، به این دو مؤلفه اشاره شده است (نقیبی مفرد، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸-۱۱۷). به این ترتیب این الگو، افزون بر تأکید بر ضرورت کارویژه پاسخگویی در حکمرانی مطلوب، این کارویژه را بدون تحقق نسبی سایر کارویژه‌ها به مثابه یک کل همبسته در ایجاد حکمرانی مطلوب چندان میسر نمی‌داند؛ به تعبیری نبود پاسخگویی، نشان‌دهنده نبود دیگر کارویژه‌هاست.

۴. رابطه پاسخگویی با مسئولیت و نظارت

ارتباط نظارت و پاسخگویی، در این نکته نهفته است که هر جا سخن از نظارت ناظری به میان آید، لاجرم پاسخگوبودن مقام یا نهاد مشمول نظارت نیز مطرح می‌شود. به سخن دیگر پاسخگویی روی دیگر سکه نظارت است (راسخ، ۱۳۸۸، ص ۴۰). اصل تناسب مسئولیت با اختیار، اقتضا می‌کند مقامات و سازمان‌های دولتی، به هر میزان دارای اختیارات قانونی و سیاسی باشند، به همان میزان نیز از نظر حقوقی و سیاسی مسئول شناخته شوند و پاسخگویی آنچه انجام می‌دهند باشند. پاسخگویی، مسئولیت یا تعهد کسانی است که به آنها اختیارات یا وظایف عمومی واگذار شده است و باید در برابر تصمیم‌ها یا اقدام‌هایشان پاسخگو بوده و دلایل قانع‌کننده‌ای را ابراز کنند؛ به‌ویژه هنگامی که تصمیم‌های آنها به منافع یا حقوق افراد یا گروه‌ها آسیب رساند.

در متون زیادی، اصل پاسخگویی در کنار اصل مسئولیت مورد توجه قرار گرفته است. در برخی زبان‌ها چون فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی، پاسخگویی، معادل مسئولیت تعریف شده است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

واژه پاسخگویی، معادل واژه لاتین «Accountability» به معنای مسئولیت و حساب‌گذاری و ذی‌حساب‌بودن به کار رفته است و در اصطلاح، عبارت است از تعهد در برابر مسئولیت واگذار شده. به سخن دیگر پاسخگویی عبارت است از گزارش فعالیت‌ها به وسیله یک فرد یا نهاد و به عهده گرفتن مسئولیت آنها؛ به این معنا که یک فرد یا نهاد، به افراد یا نهاد دیگر در چهارچوب اختیارات و محدوده وظایفی که دارد، درباره کم‌وکیف عملکردش پاسخ دهد. در بسیاری از متون علمی و حقوقی، این دو مفهوم جایگزین و مترادف یکدیگر به کار رفته است (کردنژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۳۹-۲۴۲).

برای نمونه ویلسون در تعریف دولت خوب می‌گوید: دولت خوب، دولتی است که هم قدرت داشته باشد و هم پاسخگو باشد. مادام که قدرت با مسئولیت همراه باشد، خطری وجود ندارد. چنانکه ملاحظه می‌شود ویلسون در عبارت دوم، واژه «مسئولیت» را جایگزین واژه «پاسخگو» کرده است. استعمال این دو واژه به جای یکدیگر چنان متداول است که یکی از نویسندگان، «پاسخگویی» را همانند تصویر «مسئولیت» در یک آئینه تعبیر کرده است (همان، ۲۴۱).

رابطه پاسخگویی با مسئولیت هر چه باشد، به هر تقدیر باید پاسخگویی را فرع بر مسئولیت‌پذیری به شمار آورد. مسئول، کسی است که مورد سؤال است و باید جوابگو باشد. بنابراین مسئولیت‌پذیری بدون پاسخگویی معنا ندارد.

آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی از اعضای سابق شورای نگهبان نیز در پاسخ به این پرسش که میان مسئولیت و پاسخگویی در نظام اسلامی چه نسبتی برقرار است، می‌گوید: «افرادی که حاکمیت را برعهده دارند، در هر مرتبه‌ای که قرار داشته باشند، مسئول اعمال و رفتار خویش هستند. هرکسی که مسئولیتی را برعهده گرفت، باید پاسخگوی عملکرد خود باشد تا معلوم شود در انجام وظیفه تلاش لازم را به عمل آورده یا کوتاهی کرده است» (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴-۱۵). با مراجعه به اسناد رسمی مانند قانون اساسی (که در بخش‌های بعدی به مواردی از آنها اشاره خواهد شد)، کنترل و نظارت و الزام به پاسخ‌دهی آشکارا متوجه اشخاص یا نهادهای مسئول یا کلیت نظام سیاسی است.

به این ترتیب پاسخگویی، ابزاری برای پاسخ و توضیح دادن درباره اعمال و تصمیم‌های یک فرد یا نهاد به مقام یا نهاد دیگری و همچنین شهروندان است تا از این راه، آنها را وادار به اصلاح عملکردها و پذیرش مسئولیت کنند که همراه با آثار حقوقی و سیاسی و اداری باشد.

۵. انواع پاسخگویی

نظام پاسخگویی به سازوکارهای درونی و بیرونی نیازمند است؛ اولی را شاخص کیفیت حکومت و دولت می‌نامند و دومی در شاخص پاسخگویی حکومت خلاصه می‌شود. پاسخگویی درونی، متکی به ابتکار حکومت‌ها، با پشتیبانی و فشار از جانب مردم برای خودساماندهی است و دومی به ابتکار از ناحیه مردم و رضایت و همراهی از جانب حکومت بستگی دارد (World Bank, 2003, p.2).

۵-۱. سازوکارهای پاسخگویی

الف) پاسخگویی درونی یا درون‌نهادی، بر اساس سازوکارهای درون نظام سیاسی برای نظارت و پاسخگویی افراد و نهادهای نظام سیاسی نسبت به یکدیگر سامان یافته است. پاسخگویی درونی، از راه ایجاد سامانه‌های کنترل و نظارت در هر سازمانی برای تضمین بقا و اطلاع از کیفیت عملکرد و اجرای برنامه‌های آن ضروری ایجاد می‌شود؛ مانند برقراری تفکیک و توازن قوا و نیز سامانه‌های کنترل و نظارت.

ب) پاسخگویی بیرونی یا برون‌نهادی، مهم‌تر از سویه درونی است و به الزام پاسخگویی صاحبان قدرت به اتباع و شهروندان خود مربوط می‌شود. این شیوه از پاسخگویی به مواردی مربوط می‌شود که خود مردم، حکومت را در موضع جوابگویی قرار دهند که در نظام‌های مردم‌سالار به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌شود.

۵-۲. انواع پاسخگویی

برای پاسخگویی، انواع و طبقه‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است:

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

الف) پاسخگویی عمومی و شهروندی: در این نوع پاسخگویی، مقامات دولتی درباره سیاست‌ها، تصمیم‌ها و اقدام‌هایی که به‌گونه‌ای با حقوق و منافع مردم به‌عنوان صاحبان حق، مرتبط باشند، باید دلایل خود را به‌طور شفاف به مردم بیان کنند و نسبت به آنها پاسخگو باشند. پاسخگویی شهروندی به گونه‌های مختلفی مانند نظارت‌های مردمی، مطبوعات، احزاب سیاسی و رسانه‌های جدید صورت می‌گیرد که در تجربه جوامع مردم‌سالار فراوانند.

ب) پاسخگویی اداری: در این نوع پاسخگویی، دیوان‌سالاران و مأموران دولتی، گاهی درون ساختار سازمانی و به‌طور سلسله‌مراتبی به مقامات بالادستی اجرایی و اداری خود پاسخگو هستند و گاه در برابر مستخدمین دولتی دیگر و مقامات عالی اداری یا سازمان‌های اجرایی دیگر مانند وزرا، بازرسان و ذی‌حسابان مالی و مالیاتی پاسخگو هستند.

ج) پاسخگویی حقوقی: هدف در پاسخگویی حقوقی، انطباق عملکرد مدیران و دیوان‌سالاران با الزامات قانونی است، به‌طوری‌که آنان باید در مورد رعایت ترتیبات و مقررات مندرج در قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی به دادگاه‌ها و دادرسان پاسخگو باشند. تفاوت این نوع پاسخگویی با پاسخگویی عمومی و شهروندی، در ضمانت اجرای آن است، به‌طوری‌که پاسخگویی حقوقی، از ضمانت اجرای شدیدتر و آثار مهم‌تری برخوردار است (زارعی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

د) پاسخگویی سیاسی: این نوع پاسخگویی، پاسخ‌دادن هریک از مقامات سیاسی از جمله رئیس‌جمهور، وزرا یا دیگر مقامات به دیگر مقامات یا نهادهای سیاسی، مانند مجلس یا کمیسیون‌های مربوطه را شامل می‌شود. این نوع مسئولیت، مربوط به هیأت حاکمه و مسئولین اداره کشور است و ماهیت قضایی ندارد، بلکه به خاطر عدم اتفاق و تفاهمی است که در نتیجه اعمال سیاسی دولت ایجاد می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸).

۶. نظام پاسخگویی در شریعت و قانون اساسی ایران

به‌موجب اصل چهارم قانون اساسی، موازین شرعی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی در رأس سلسله‌مراتب قواعد لازم‌الاجرا قرار می‌گیرد و بر تمامی قوانین و مقررات کشور و

خود قانون اساسی حاکم است (اصل ۴ قانون اساسی). برای آشنایی با اصول مربوط به نظارت و پاسخگویی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در ابتدا به برخی سازوکارهای شرعی نظارت و پاسخگویی که در قانون اساسی انعکاس یافته است، اشاره می‌شود؛ سپس به نظارت و پاسخگویی نهادی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی پرداخته خواهد شد.

۶-۱. سازوکارهای شرعی نظارت و پاسخگویی در قانون اساسی

قانون اساسی با الهام از آرمان‌ها و ارزش‌های منبعث از شریعت اسلامی و با امید به برپایی جامعه نمونه آرمانی، یکی از وظایف همگانی را نظارت مستمر و فعال بر کار مسئولان دانسته و آن را اقدامی مشارکت‌جویانه در ساختن جامعه اسلامی قلمداد می‌کند (قانون اساسی، مقدمه). در متون شرعی دست‌کم به چند اصل در باب نظارت و پاسخگویی مسئولان می‌توان اشاره کرد؛ امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت ائمه مسلمین، امانت دانستن مناصب عمومی و حق تعیین سرنوشت. در این میان اصل امر به معروف و نهی از منکر که به روشنی در قانون اساسی آمده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است و مقدمه دیگر اصول نیز به شمار می‌آید.

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از سازوکارهای نظارت و کنترل فسادهای ناشی از کژروی و ملزم‌ساختن مکلفان به راست‌روی است که شریعت آن را وظیفه الزامی برای همگان قرار داده است. اهمیت این فریضه، چنان است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هرگاه اتمم از فریضه امر به معروف شانه خالی کند و آن را به یکدیگر واگذار کند، آن‌گاه است که باید آماده عذاب خداوند متعال باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۹). امیرالمؤمنین ﷺ نیز می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، شیوه انبیا و پیشه صالحان و فریضه بزرگی است که دیگر واجبات بر آن استوار می‌باشد، کسب‌وکارها حلال و نزاع برطرف و زمین آباد می‌شود» (همان، ص ۵۵-۵۶). شهید مطهری آن را «اصل هدایت و مراقبت» می‌نامد (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۸۳).

از مهم‌ترین مصداق‌های این فریضه دینی و اجتماعی، نظارت بر اعمال و رفتار حاکمان

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

جامعه است که جزء ارکان اصلی زندگی اجتماعی می‌باشد. این نوع از نظارت، با اصل شرعی دیگری با عنوان «نصیحت زمامداران یا ائمه مسلمین» هماهنگی دارد. در تعریف نصیحت به ائمه مسلمین چنین آمده است: «یاری آنان در کارهای حکومتی، هشدار به آنان به هنگام غفلت، ترمیم لغزش‌های آنان، دعوت مردم به اتحاد و هماهنگی با آنان و جذب ناراضیان و ازجمله بزرگ‌ترین نصایح به ائمه مسلمین این است که آنان را از ستم به‌وسیله آنچه شایسته است، بازداشتنه شوند (عسقلانی، بی‌تا، ص ۱۳۸).

امربه معروف و نهی ازمنکر، اهرم بسیار قدرتمندی است که از راه بسیج همگانی و مستمر دولت و ملت می‌تواند زمینه‌ساز رشد فضایل و طرد مفساد باشد. قانونگذار اساسی با درک مراتب این عنصر سازنده اسلامی، اقدام به تأسیس مبنایی برای نظارت و مراقبت همگانی در اصل هشتم قانون اساسی کرده است (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰).

۲-۶. سازوکارهای پاسخگویی ارکان و نهادهای نظام سیاسی در قانون اساسی

پاسخگویی، فرع بر داشتن مسئولیت است و از نظر قانون اساسی، هر مقام دارای صلاحیت، صاحب مسئولیت به‌شمار می‌آید و سازوکار نظارت قانونی بر تصمیم‌ها و اقدام‌های هر مسئولی را فراهم ساخته است. اساسی‌ترین نظارت‌ها مربوط به ارکان اصلی نظام سیاسی می‌باشد و از نوع پاسخگویی افقی و درون‌ساختاری است. در کنار چنین نظارتی، نوع دیگری از پاسخگویی که به‌صورت عمودی و برون‌ساختاری است، ازسوی مردم صورت می‌گیرد. نظارت آنان از پایین به بالا، بر پایه حقوق شهروندی اعمال می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای بر نظارت اصحاب قدرت تأکید کرده و می‌فرماید: «هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست، چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند، چون حکومت به‌طورطبیعی به‌معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای این که امانت به خرج دهند و سوءاستفاده

نکنند و نفس‌شان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد»^۱. ازسوی دیگر نظارت‌های مربوط به ارکان اصلی نظام، گاهی سیاسی است؛ مانند نظارت مجلس خبرگان رهبری بر رهبری نظام و نظارت‌های گوناگونی که ازسوی قوه مقننه نسبت به دیگر مسئولان و نهادهای حاکمیت اعمال می‌شود و آن را نظارت پارلمانی هم می‌گویند. البته ممکن است در مواردی به نظارت حقوقی نیز بیانجامد؛ چنانکه کمیسیون اصل نود قانون اساسی درباره برخی شکایات، از طریق قوه قضائیه عمل می‌کند. گاهی هم نظارت، حقوقی و قضایی است و برعهده قوه قضائیه است تا بر مبنای ترتیبات قانونی نسبت به تصمیم‌ها و اقدام‌های مسئولان حکومتی دادرسی کند. بخش دیگری از نظارت‌ها، اداری و سلسله‌مراتبی است که درون‌سازمانی است و در درجه پایین‌تری از سایر نظارت‌ها قرار دارد. به این ترتیب با بهره‌گیری از همین دسته‌بندی، به کنکاش درباره نظارت و پاسخگویی در قانون اساسی می‌پردازیم.

۱-۲-۶. پاسخگویی عمومی و شهروندی در قانون اساسی

گفتمان انقلاب اسلامی دو مفهوم برجسته «اسلامیت» و «جمهوریت» را در خود جای داده است. در ایده «جمهوریت»، مرکززدایی از قدرت و برجسته‌سازی مردم و به بیان دیگر شهروندان، به موقعیت ویژه مردم در ساختار قدرت انجامید. آنان نه تنها در شکل‌گیری قدرت سیاسی نقش دارند، بلکه به عنوان صاحبان حق، از حقوق شهروندی برخوردار شدند. در فصل سوم قانون اساسی، این حقوق تحت عنوان «حقوق ملت» به وسیله قانونگذار به رسمیت شناخته شده است.

پاسخگویی عمومی یا شهروندی دو جنبه دارد: در جنبه نخست، دولت در پاسخ به تقاضاهای برآمده از سوی افراد و گروه‌ها، عملکرد یا توانایی پاسخگویی خود را نشان می‌دهد. برخی نظام‌ها در برابر تقاضاهای پیرامون خود، اقدام سریع و مناسب نشان می‌دهند و

۱. بیانات رهبری در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹. آدرس:

<https://khl.ink/t/3053>

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

پاره‌ای دیگر، در برابر آن، انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. در جنبه دوم پاسخگویی عمومی، شهروندان نسبت به توانایی و کارآمدی دولت (نظام سیاسی)، به‌طور عام نظارت و ارزیابی می‌کنند. این ارزیابی و نظارت، بر اساس وظایف و تکالیفی است که قانون اساسی برای دولت و مقامات آن مقرر کرده است و باید نسبت به آن، پاسخگو باشد. البته قانون اساسی، وزیران را در برابر ملت مسئول ندانسته است و از این‌رو از نظر حقوقی ملزم به پاسخگویی در برابر مردم نمی‌باشند، بلکه پاسخگویی آنها در برابر رئیس‌جمهور و نمایندگان مردم، الزامی است. به همین سبب اصل یکصد و بیست و دوم رئیس‌جمهور را در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی، برعهده او گذاشته شده، در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول می‌داند (اصل ۱۲۲ قانون اساسی).

۶-۲-۲. پاسخگویی سیاسی در قانون اساسی

این پاسخگویی در چهارچوب قانون اساسی، دربرگیرنده ارکان نظام سیاسی، اعم از رهبری و قوای سه‌گانه است که عبارتند از:

۶-۲-۲-۱. مسئولیت و پاسخگویی سیاسی رهبری

مقام رهبری در رأس نظام سیاسی، از موقعیت برجسته‌ای برخوردار است و نظارت بر این مقام دو جنبه دارد: نخست مربوط به شرایط و ویژگی‌های رهبری و جنبه دیگر مربوط به وظایف و مسئولیت‌های ایشان است.

براساس اصول پنجم و یکصد و نهم، شرایط رهبری عبارت است از صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، آگاه به زمان و داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. اهمیت رهبری و جایگاه والای آن در نظام جمهوری اسلامی ایران و نظارت عالیه آن بر قوای کشور و سایر نهادهای زیر نظر ایشان، مسئولیت سیاسی بسیاری را متوجه مقام رهبری می‌کند. بنابراین مجلس خبرگان رهبری، نه تنها داشتن ویژگی‌های پیش‌گفته را در تعیین رهبری مدنظر دارد، بلکه بقای این شرایط و ویژگی‌ها را لازم دانسته و بر آن نظارت می‌

کند. جنبه دوم نظارت و پاسخگویی سیاسی رهبری، به وظایف و مسئولیت‌های ایشان مربوط می‌شود. وظایف و اختیارات ایشان، در اصل یکصد و دهم بیان شده است؛ مانند تعیین سیاست‌های کلی نظام از طریق مجمع تشخیص نظام و نظارت بر اجرای این سیاست‌ها و حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص نظام و سایر وظایف ایشان که به کلیت نظام باز می‌گردد (اصل ۱۱۰ قانون اساسی).

۲-۲-۶. مسئولیت و پاسخگویی سیاسی قوه مجریه

اهمیت قوه مجریه، به سبب اجرای قوانین و در اختیار داشتن نظام اداری کشور و بهره‌گیری از سهم زیادی از قدرت و حضور ملموس آن در زندگی مردم، قابل انکار نیست. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور را عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری معرفی می‌کند و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را - جز در اموری که به‌طور مستقیم به رهبری مربوط می‌شود - به‌عهده ایشان گذاشته است. از این‌رو قانون اساسی تصریح می‌کند که «رئیس‌جمهور» در حدود اختیارات و وظایفی که به‌موجب قانون اساسی و با قوانین عادی به‌عهده دارد، در برابر «ملت» و «رهبری» و «مجلس شورای اسلامی» مسئول است. اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی، چگونگی پاسخگویی رئیس قوه مجریه و وزیران را در برابر مجلس تعیین کرده است. رئیس‌جمهور، وزیران و اعضای کابینه دولت، مسئولیت اجرای وظایف دولت را برعهده دارند. مطابق اصل ۱۳۷، هریک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس هستند و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هستند. با توجه به همین مسئولیت است که طبق اصل ۱۳۶، رئیس‌جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند.

پاسخی را که رئیس‌جمهور درباره پرسش نمایندگان و یا به‌هنگام استیضاح، به مجلس و نمایندگان ملت ارائه می‌کند، درحقیقت پاسخ به ملت نیز می‌باشد و واکنشی را که نمایندگان در برابر پرسش یا استیضاح خود نشان می‌دهند، واکنش ملت نیز به‌شمار خواهد آمد. به این ترتیب روشن می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شدیدترین نحوه پاسخگویی را متوجه رئیس‌جمهور کرده است.

۶-۲-۲-۳. مسئولیت و پاسخگویی سیاسی قوه مقننه و قوه قضائیه

برخلاف پاسخگویی شدیدی که قانون اساسی نسبت به قوه مجریه، اعم از رئیس‌جمهور و وزرا اعمال می‌کند، پاسخگویی به مراتب کمتری از قوای مقننه و قضائیه انتظار می‌رود. این دو قوه نیز بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، زیر نظر رهبری و ولایت مطلقه امر قرار دارند و باید در برابر ایشان نسبت به مسئولیت و عملکرد خود پاسخگو باشند.

۶-۲-۳. پاسخگویی حقوقی در قانون اساسی

از نظر قانون اساسی، همه افراد به طور عام در برابر قانون مساوی هستند (اصل ۳ قانون اساسی، بند ۱۴). این مسئله، شامل همه شهروندان شده و هیچ استثنایی ندارد؛ تاجایی که بالاترین مقام کشور، یعنی رهبری را در بر می‌گیرد. از این رو به طور ویژه بر تساوی رهبر با سایر افراد کشور در برابر قانون تأکید شده است (ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی). به این ترتیب در اعمال قوانین موضوعه، هیچ تفاوتی میان رهبری با یک شهروند عادی وجود ندارد و همگان نسبت به تمکین در برابر قانون با هم برابرند. بر این اساس مسئولیت حقوقی ناشی از فعل یا ترک هر امری را که بر اساس قانون متوجه هریک از مقامات حکومت از جمله مقام رهبری باشد، در بر می‌گیرد. رسیدگی به مسئولیت حقوقی این مقامات، بر عهده قوه قضائیه است.

۷. چالش‌های نظام پاسخگویی در ایران

یکی از چالش‌های اساسی در فرایند توسعه و پیشرفت کشورهای در حال رشد، نبود نظام پاسخگویی کارآمد در اداره امور عمومی و بی‌تعهدی کارگزاران در برابر مسئولیت‌های واگذار شده به آنهاست. عدم تمایل به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، به عنوان یک چالش جدی حاکمیت، مختص بخش یا سطح خاصی از نظام حکمرانی نیست، بلکه در ساختار کلی وجود دارد. با وجود قوانین نظارت و پاسخگویی کارگزاران و نهادهای دولتی در برابر مسئولیت‌های واگذار شده به آنان، نظام پاسخگویی در ایران با موانع و مشکلاتی روبه‌روست که برخی از آنها عبارتند از:

۷-۱. دستاوردهای یک پیمایش نخبگانی

در پیمایشی در سال ۱۴۰۲، از طریق سنجش نگرش نخبگان دانشگاهی در حوزه مدیریت و همچنین مدیران و کارشناسان ارشد نهادهای دولتی درباره موانع پاسخگویی عمومی، به ده مانع اصلی در سه دسته به شرح زیر اشاره شده است:

(الف) موانع ساختاری: شامل نبود نظام کارآمد گردش آزاد اطلاعات، ضعف در حاکمیت شایسته‌سالاری، ضعف در سامانه کارآمد پاسخگویی، نبود ثبات در برخی از سازمان‌های دولتی، نبود نظام‌واره مناسب ارزشیابی عملکرد؛

(ب) موانع رفتاری: ضعف فرهنگ سازمانی مناسب، ضعف کارآمدی برخی مدیران به همراه فساد اداری؛

(ج) موانع محیطی: شامل موانع فرهنگی و موانع قانونی برای پاسخگویی سازمان‌های دولتی (دهقان‌پور فراشاه و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۱-۱۱۳).

پاسخگویی در ایران با چالش‌های گوناگون دیگری روبه‌روست که به برخی اشاره می‌شود:

۷-۲. تعارض گفتمانی درباره حدود و اختیارات نهادهای سیاسی

یکی از چالش‌های اساسی در نظام پاسخگویی، وجود گفتمان‌های متعارض است. این گفتمان‌ها که در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته‌اند، با ارائه تفسیرهای گوناگون، انتظارات متفاوتی از مبانی شریعت و چهارچوب‌های حقوقی به‌دست می‌دهند. به‌طورمثال با مراجعه به قانون اساسی، می‌توان به مسئله نظارت و پاسخگویی مقام رهبری اشاره کرد که به نظارت خبرگان بر رهبری مربوط است.

هنگام بحث درباره اصلاحیه اصل ۱۰۸ قانون اساسی در کمیسیون اول شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، نظارت مجلس خبرگان رهبری بر حسن اجرای وظایف رهبری و اجرای اصل ۱۰۷ و ۱۱۱ و انجام دیگر وظایف در این قانون، به تصویب رسید (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۲۵۹)، اما سرانجام به‌سبب اختلاف میان اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، این پیشنهاد به تصویب نرسید. عده‌ای

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

از آنان باور داشتند که نظارت بر حسن اجرای وظایف رهبری، به این معناست که برای مقام رهبری که در رأس نظام اسلامی است، یک رهبر مخفی درست کنیم که جمعی را ناظر بر کار او و مراقب او قرار دهد و قدرت اصلی دست آنها باشد؛ این تضعیف رهبری و پائین آوردن شأن رهبری است (همان، ص ۱۲۶۳-۱۲۶۲).

در مقابل برخی از اعضای شورا استدلال دیگری داشتند و بر این باور بودند که نظارت بر حسن انجام وظایف رهبری لازمه اصل یکصدویازدهم است. براساس این اصل، در صورت فقدان شرایط یا ناتوانی در امور مربوط به رهبری، ایشان توسط خبرگان از منصب خود عزل می گردد و این امر، نیازمند نظارت خبرگان بر حسن انجام وظایف رهبری و اطمینان از بقای شرایط است (همان، ۱۲۵۲).

آیت الله امینی در این باره می گوید ما در اصل یکصدویازدهم، به خبرگان اجازه دادیم که در مواقع ضروری، رهبر را عزل کند و این درست نیست که ما بگوییم خبرگان، هیچ اختیاری ندارد. در واقع می شود خبرگان به هیچ وجه نظارت نداشته باشد و یک دفعه همین طوری بخواهد عزل کند. همچنین آیت الله طاهری خرم آبادی باور داشتند که اگر چنین نظارتی (در قانون) نباشد، ممکن است رهبر بگوید به شما چه ربطی دارد، چرا باید تذکر بدهید، حق ندارید به من تذکر بدهید، اما اگر این حق نظارت در اینجا ذکر شد، آنها می توانند بروند تذکر بدهند که این کار یا آن کار اشکال دارد (همان، ۱۲۶۴-۱۲۶۶).

این مباحث با عناوین دیگری چون «انتصابی یا انتخابی بودن ولایت فقیه»، «مشروعیت الهی بلاواسطه یا مشروعیت الهی مردمی برای ولایت فقیه» و بحث هایی در باب «مردم سالاری دینی» ادامه یافت و مناقشات نظری فراوانی نیز در پی داشت.

۷-۳. عدم تعادل در میزان نظارت و پاسخگویی قوای کشور

در نظام های مبتنی بر تفکیک قوا، ساختارهای سیاسی به گونه ای تنظیم می شوند که تعادل و توازن قوا برقرار شود تا از دخالت و تسلط هریک از قوا بر دیگری جلوگیری شود. در این سیستم های سیاسی هریک از قوا به شکلی، بر یکدیگر نظارت دارند و از این طریق

تعاادل را در نظام سیاسی پدید می آورند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، همانگونه که اشاره شد و حتی قوه مقننه، از لحاظ شدت نظارت در میان سه قوه، در مرتبه پایین تری از دیگر قوا قرار دارد.

ساختار موجود با دو اشکال روبه روست: نخست امکان دخالت بیش از حد مجلس در قوای دیگر، به ویژه در قوه مجریه، تاجایی که امکان اختلال در روند امور عمومی از پیامدهای آن می باشد؛ دیگر آنکه تعادل ساختاری میان قوای کشور از میان می رود و به تفوق برخی قوا بر دیگری می انجامد. در عین حال این گونه نظارت ها، به ویژه درباره قوه مقننه، بسیار ناچیزتر از نظارت هایی است که بر قوه مجریه اعمال می شود و ضعفی بر نظام پاسخگویی و چالشی برای کارآمدی نظام سیاسی شمرده می شود. از آنجاکه قوه مجریه در دسترس ترین قوه برای مردم است، به طور طبیعی، پاسخگویی عمومی و شهروندی نیز این قوه را آماج قرار می دهد؛ حال آنکه دو قوه دیگر، به ویژه قوه مقننه، کمتر مورد پاسخگویی عمومی و شهروندی قرار دارند و دست کم باید در برابر نهاد نظارتی مؤثرتری، پاسخگو و مسئول باشند.

باین توضیح در مواردی، واژه نظارت در نظام حقوقی ایران، باعث ابهام و کژتابی در مفهوم پاسخگویی می شود. به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان مسئولیت نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و همه پرسی را برعهده دارد. در قانون اساسی، در ارتباط با امر انتخابات، واژه «نظارت» به صراحت مورد استفاده قرار گرفته است. باین حال تفسیرها و شیوه های اجرایی متفاوت از مفهوم نظارت، گاه سبب شده است که حدود وظایف ناظر، مجری و مرجع رسیدگی به اختلافات، به روشنی از یکدیگر تفکیک نشود (ر.ک: شفیعی سردشت و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۸۱).

۷-۴. ابهام در تعیین افراد یا نهاد پاسخگو

در حکمرانی های جدید که اقدام ها و تصمیم ها در میان کنشگران مختلف به اشتراک گذاشته است و شبکه ای از کنشگران بر تصمیم ها و اقدام های تأثیرگذارند، پاسخ به این پرسش که چه کسی در قبال چه کسانی و برای چه چیزی پاسخگو است، هرچه بیشتر

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

شفافیت خود را از دست داده است؛ چرا که تصمیم‌ها، به وسیله کنشگران مختلف برخوردار از میزان متفاوتی از شفافیت عمومی، دوره تصدی و منابع مالی و اعتباری گرفته می‌شود. نسبت دادن سبب و دلیل به یک کنشگر یا تصمیم خاص بسیار دشوار است. اگر سیاستمداران منتخب، یک خط‌مشی را ترویج کنند، آیا آنها باید برای اجرای آن به وسیله کنشگران دیگر که کنترل کمتری بر آنها دارند، پاسخگو باشند؟ در برابر اگر یک سازمان دولتی یک قانون را به درستی اجرا کند، اما قانون، عملکرد را تضعیف کند آیا می‌توان گفت که آن سازمان باید برای این امر پاسخگو باشد؟

این داستان طولانی دولت در ایران است و بارها شاهد آن بودیم که هر دولت جدیدی پس از مدتی که در انجام برنامه‌های خود با مشکلاتی مواجه می‌شود یا از سوی مردم مورد پرسش قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند تا پاسخ‌خواهی را متوجه دیگران کند و از آماج پاسخگویی، خود را برهاند. از سوی دیگر عدم انسجام درونی در ساختار نظام سیاسی و تأثیرات هریک از بازیگران شبکه حکمرانی، داوری درباره پاسخگویی نسبت به تصمیم‌ها و اقدام‌های کارگزاران یا نهادهای تأثیرگذار بیرون از ساختار رسمی به سادگی امکان‌پذیر نیست.

۸. سازوکار برون‌رفت از چالش‌های پاسخگویی

به مواردی از چالش‌های پیش روی پاسخگویی در نظام حکمرانی که سبب اختلالاتی در فرایند اداره امور کشور شده‌اند، اشاره شد. اکنون تلاش می‌شود باتکیه بر الگوی همبسته حکمرانی مطلوب - که تحقق این نوع حکمرانی را به تحقق همه عناصر و شاخص‌های این الگو وابسته می‌داند - پیشنهادهایی برای حل و رفع چالش‌های پیش‌گفته ارائه شود. این اقدام‌ها به‌طور آشکار یا ضمنی، به همه ویژگی‌ها، عناصر و شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته است:

۸-۱. اصلاح ساختاری دولت (تغییر در ساختار، نقش و وظایف دولت)

مراد از اصلاح ساختاری، ساختار درون سازمان دولت نیست، بلکه پرداختن به وجود دولت همه‌کاره و تصدی گراست که سایه سنگینی بر اداره امور عمومی افکنده است. دولت

ها تأثیر بسیار زیادی بر تحولات اقتصادی و اجتماعی کشورهایشان و امکان تداوم فرایند توسعه دارند. آنها قادرند از راه ایجاد ترتیبات نهادی، زمینه تأسیس حکمرانی مطلوب را فراهم آورند. برای این کار، دو شرط لازم است. یکی اینکه مقامات دولتی و سیاستمداران، دارای انگیزه کافی برای تغییر باشند و دوم، قدرت و توانمندی لازم را برای فراهم‌سازی حکمرانی مطلوب داشته باشند.

توانمندسازی دولت در سویه اصلاح ساختاری، دست‌کم در گرو چند اقدام زیر است: نخست. دولت زمانی کارآمد و اثربخش خواهد بود که مردم‌سالاری را جایگزین دیوان‌سالاری کند. ساختار سیاسی در ایران رشد غیرطبیعی و بی‌قواره‌ای داشته، دارای ناهم‌سازی‌هایی است که منجر به تصدی‌گری حداکثری آن شده و کارکردهای آن را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است. باید از ابعاد دولت کاست و وظایف آن را به بازار و سایر نهاد‌های غیردولتی واگذار کرد. همچنین این اصل اساسی باید مورداجماع واقع شود که حکمرانی، فرایند حکومت‌کردن است و لازم نیست این فرایند به‌وسیله مجموعه‌ای از کنشگران در چهارچوب‌های هرمی و سلسله‌مراتبی به انجام رسد، بلکه افراد، بازارها و شبکه‌های کنشگران می‌توانند در اداره امور عمومی سهیم باشند.

دوم. اصلاح ساختاری دولت، نیازمند تعیین مرزهای دقیقی میان وظایف و نقش‌های بازیگران حکمرانی یعنی حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است تا بتواند سهم هرکدام را در پاسخگویی معین کند. دولت باید میان امور حاکمیتی و تصدی‌گری تفکیک قائل شود و امور تصدی‌گری را به بخش خصوصی و نهاد‌های مدنی واگذارد و تمرکز خود را بر امور حاکمیتی و برخی امور ضروری تصدی‌گری قرار دهد. سرانجام برای انجام امور حاکمیتی نیز کارایی و اثربخشی خود را فزاینده کند که این امر با همکاری با دیگر بخش‌های مدنی امکان‌پذیر است.

۸-۲. نهادمندی سیاسی و افزایش سطح مشارکت سیاسی

پاسخگویی حکومت در برابر خواست‌ها و انتظارات شهروندان، به‌طور عمیق با

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

مردم سالاری پیوند خورده است. به این ترتیب با تغییر در رابطه دولت با شهروندان، دیگر دولت ها دور از دسترس آنان نبوده و باید در برابر خدماتی که ارائه می کنند، پاسخگو باشند. وجود نهادهای مدنی نیرومند، سطح مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی را افزایش می دهد و این نهادها نقش میانجی میان دولت و مردم را ایفا می کنند و توانایی آنان را برای پاسخگودادن دولت افزایش می دهند.

میان نهادسازی مدنی و مشارکت مردم در فرایند حکمرانی، رابطه همبسته ای وجود دارد. مشارکت مردمی، یکی از شیوه های مؤثر برای شفافیت و پاسخگودادن حکمرانی است. مشارکت مردم در اداره امور عمومی، ذات حکمرانی های جدید است؛ شنیدن صدای مردم در مراکز تصمیم گیری و توانایی و فرصت تأثیرگذاری آنان بر فرایند تصمیم گیری عمومی و شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد، نیازمند درگیرشدن فعال و بادوام مردم در سیاست عمومی است. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی است (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۵۹).

کارآمدسازی حکمرانی، برپایه نهادمندی سیاسی قرار دارد. نهادهای دموکراتیک، سازوکاری مطمئن برای اصلاح پیشینه حکمرانی هستند. اگر دولتمردان در فعالیت های فسادآلود درگیر شوند، شهروندان می توانند از قدرت رأی خود استفاده کرده و افراد فاسد و بدرفتار را از مسند قدرت بیرون کنند (رُز و پیفر، ۱۴۰۰، ص ۲۶۱). بنابراین به هر میزان نهادمندی سیاسی و مشارکت عمومی افزایش یابد و نهادهای مدنی قدرتمند باشند، امکان شفافیت و پاسخگویی دولت بیشتر می شود. همچنین نهادهای مدنی سازوکارهایی برای تحقق مردم سالاری، تأمین آزادی های مدنی، سیاسی و اقتصادی، مشارکت مدنی، پاسخگویی مدیران و دولت به مردم و عدالت اجتماعی، پیش بینی می کنند.

۸-۳. پیروی از حاکمیت قانون

بی شک در همه جوامع بشری، اداره امور عمومی بر مدار قوانین در چرخش است.

حکمرانی نیز بر پایه قوانین خوب مقبولیت می‌یابد و از طریق آن «قابلیت اداره امور» را پیدا می‌کند. این در صورتی است که قوانین دارای کیفیت باشند تا امکان حاکمیت قانون فراهم آید. «نظم» و «محدودیت» دو ارزش اساسی در حاکمیت قانون به‌شمار می‌آیند و بسته به شیوه حکمرانی، کم یا زیاد می‌شوند.

امروزه حاکمیت قانون از مفهوم سنتی اش - که تنها شامل اعمال قدرت حکومت بر مردم و ایجاد نظم به‌وسیله قانون و داوری بر مبنای آن شود - فاصله گرفته است. در دوران جدید، الگوی حکمرانی از حق مردم در توزیع قدرت سخن می‌گوید و حاکمیت قانون بر مدار کنترل قدرت می‌چرخد. پیامد چنین تغییری، به تحول در مفهوم و کارکرد قانون منجر شد؛ به‌طوری که قوانین و مقررات برای همگان اعم از حاکمان و مردم به‌صورت یکسان و برابر الزام‌آور شد و کارکرد قانون، افزون بر ایجاد نظم عمومی، قدرت حکومت را محدود و مشروط ساخت و قوانین، حکومت را مسئول و پاسخگو کردند.

در پژوهشی باعنوان «نقش نظام اداری در ارتقای نظام پاسخگویی»، این نتیجه به‌دست آمد که بین نظام قوانین و مقررات و میزان پاسخگویی رابطه معناداری وجود دارد. به‌عبارتی هرچقدر در سازمان نظام قوانین و مقررات شفاف‌تر و دقیق‌تر باشد، به‌همان‌اندازه میزان پاسخگویی کارکنان بیشتر خواهد شد (صبحی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲).

تأکید بر حاکمیت قانون، اصل بنیادین و راهنما برای مطالبات دیگری از قبیل رعایت و احترام به کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های فردی از طریق مسئولیت، پاسخگویی و صلاحیت حکومت است. متغیرهای حاکمیت قانون و کیفیت قوانین و مقررات به‌عنوان دو شاخص مهم اثرگذار برای تحقق حکمرانی مطلوب در کنترل فساد مؤثر است.

۸-۴. شفافیت و جریان آزاد اطلاعات

میان شفافیت و پاسخگویی، یک درهم‌تنیدگی وجود دارد و نمی‌توان هریک از این دو مؤلفه را بدون دیگری تصور کرد. میان پاسخگویی و شفافیت، همبستگی و رابطه متقابل وجود دارد به‌طوری‌که شفافیت بدون پاسخگویی، بی‌معنا است. شفافیت را با اعطای حق دسترسی

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

آزاد به اطلاعات می‌شناسند؛ اطلاعاتی که نهادهای دولتی و غیردولتی در اختیار شهروندان قرار می‌دهند تا آنان را از آنچه انجام می‌دهند، آگاه سازند و در برابر آن، پاسخگو کنند. از این رو شفافیت میزان و نحوه دسترسی به اطلاعات به طور عادلانه می‌باشد. تدوین قوانین افشای اطلاعات و ایجاد و گسترش دولت الکترونیک، از لوازم حکمرانی پاسخگو به شمار می‌آید. در حال حاضر دولت الکترونیک، با فراهم کردن امکان دسترسی شهروندان به اطلاعات و پاسخگو کردن مقامات دولتی، ابزار بسیار مهمی برای کاهش زمینه‌های فساد به شمار می‌آید. کاستلز در کتاب *کهکشان اینترنت*، بر این باور است که دولت الکترونیکی می‌تواند پاسخگویی بیشتر، شفافیت و دسترسی به اطلاعات را به همراه داشته باشد (گارسون، ۱۳۹۱، ۱۸).

۸-۵. حل تعارض‌های گروهی از طریق اجماع

نظام سیاسی فراتر از همه چیز، سازوکاری برای تصمیم‌گیری است. این امر با مشروعیت نظام سیاسی درهم آمیخته است؛ زیرا به طور معمول، تصمیم‌هایی که ارکان مختلف حکومت اتخاذ می‌کنند، باید به طور گسترده مورد اطاعت مردم واقع شود. تصمیمات نظام سیاسی، در حقیقت تلفیقی از نظرهای متعارض گروه‌های اجتماعی است. افراد و گروه‌ها در هر نظام سیاسی برای نفوذ بر تصمیم‌های دولت، کوشش کرده است تا منافع خود را به تصمیم‌های سیاسی مبدل کنند. یک شرط مهم و غیرقابل انکار برای عملکرد مؤثر نظام سیاسی، آن است که مردم به طور گسترده فرایند تصمیم‌گیری را بپذیرند؛ چنین وضعیتی را «اجماع» می‌نامند. حل و فصل تعارض‌های گروهی، یکی از وظایف دولت به منظور دستیابی به عدالت، نظم و ثبات است. نظریه‌های متکی بر فرهنگ سیاسی ملی، بر این باورند که حفظ نظام سیاسی، نیازمند توافق بر سر حداقلی از ارزش‌ها و عقاید سیاسی است که بخشی از قواعد غیررسمی این بازی شمرده می‌شوند.

در رویکرد اجماع‌محوری، وجود بازیگران گوناگون با نقطه‌نظرات مختلف در یک جامعه فرض می‌شود. حکمرانی شایسته، نیازمند میانجی‌گری میان دیدگاه‌های گوناگون موجود در جامعه، به منظور رسیدن به اجماع گسترده به نفع کل جامعه و چگونگی دستیابی به آن می‌باشد.

عرب‌مازار نیز یکی از دلایل اصلی ناکامی برنامه‌های توسعه اقتصادی در کشور را این امر مهم می‌داند که در عرصه سیاست، اجماع‌سازی و پذیرش شکل نگرفته است. به همین سبب کشورهای دیگر به سبب توجه به اجماع‌سازی، توانایی خود را در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌هایشان افزایش داده‌اند، اما کشور ما در این زمینه ناکام مانده است. البته باید توجه داشت که اختلاف‌نظرها همواره وجود دارد و مفید هم است، اما هنر این است که چگونه این اختلافات کاهش و مدیریت شوند. وی راه‌حل برون‌رفت از مسئله کارآمدی در ایران را در دستیابی نخبگان سیاسی به یک اجماع مشخص می‌داند. وی باور دارد که در بیشتر کشورهای مهم دنیا، نخبگان و احزاب سیاسی اقدام به تعریف قواعد سیاسی نوشته و نانوشته می‌کنند و می‌پذیرند تا بر مبنای آن قواعد، عمل کنند. آنها دارای اهداف و منافع مختلفی هستند، اما به این درک رسیده‌اند که اگر در جایی به یک اجماع دست پیدا نکنند، همگان ضرر خواهند کرد بنابراین خود را پای‌بند قواعد بازی سیاسی می‌کنند. به نظر می‌رسد نخبگان ما هنوز به این اجماع و عقلانیت مهم دست پیدا نکرده‌اند و این خطر جدی وجود دارد که در صورت تأخیر بسیار در این امر مهم، کشور و نظام با مشکلات اساسی روبه‌رو شود.^۱

نتیجه

سازوکارهای پاسخگویی ارکان و نهادهای سیاسی در قانون اساسی دو سویه دارد: سویه پاسخگویی بیرونی که شامل پاسخگویی به شهروندان است و سویه درونی که ارکان و قوای کشور و نهادهای حاکمیت در قبال یکدیگر باید پاسخگو باشند. هر دو سویه دارای اهمیت است. در سویه درونی، ضعف در پاسخگویی به ناکارآمدی ساختاری و نهادی در سطح حاکمیت می‌انجامد، اما در سویه بیرونی، ضعف در پاسخگویی به کاهش اعتماد عمومی می‌انجامد و در نتیجه کاهش کارآمدی را در پی خواهد داشت. پاسخگویی به شهروندان نیز خود دو جنبه دارد: یکی پاسخگویی در برابر مسئولیتی که

۱. گفتگوی نویسنده با دکتر علی اکبر عرب‌مازار (استاد تمام دانشگاه شهید بهشتی)؛ برای دسترسی به متن کامل گفتگو، ر.ک: زهیری، ۱۳۹۷، ص ۱۷۲-۱۸۸.

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

دولت برعهده دارد و دیگری در برابر برآورده کردن انتظارات مردم، که از دیگر جنبه‌های حکمرانی شدیدتر است.

حال با وجود تمهیدات شرعی و حقوقی که قانون اساسی نیز بر آن تأکید داشته است، همچنان موانع و چالش‌های گوناگونی در راه نظارت و پاسخگویی در کشور وجود دارد. تعارض گفتمانی درباره حدود و اختیارات نهادهای سیاسی، عدم تعادل در میزان نظارت و پاسخگویی قوای کشور و ابهام در تعیین افراد یا نهاد پاسخگو، از چالش‌های اساسی نظام پاسخگویی در کشور به‌شمار می‌آید.

همچنین موانع دیگری مانند نبود سیستم اطلاعات کارآمد، ضعف در حاکمیت شایسته‌سالاری، نبود سیستم کارآمد پاسخگویی، نبود ثبات در برخی از سازمان‌های دولتی، ضعف در ارزشیابی عملکرد، نبود فرهنگ سازمانی مناسب، ناکارآمدی برخی مدیران، وجود فساد برخی مدیران، موانع فرهنگی و موانع قانونی برای پاسخگویی در سازمان‌های دولتی، از جمله مواردی به‌شمار می‌آیند که در بررسی‌ها شناسایی شدند.

برای عبور موفقیت‌آمیز از این چالش‌ها و موانع، از الگوی حکمرانی مطلوب بهره گرفته شد. به دو سبب، بهره‌گیری از این الگو مناسب می‌باشد: یکی اینکه این الگو نتیجه بررسی گسترده‌ای است که در کشورهای مختلفی انجام شده و به چالش‌های مشابهی دست یافته است که این کشورها به‌طور نسبی با آن درگیرند. بنابراین معیار کافی برای ارزیابی را به‌دست می‌دهد. دوم آنکه این الگو، یک کل همبسته است؛ به‌این معنا که برای حل یک چالش می‌بایست به‌طور هم‌زمان و همگون دیگر چالش‌ها را برطرف ساخت.

به‌این ترتیب راهکار حل چالش‌های پاسخگویی، با توسل به اصلاحات ساختاری و کارکردی امکان‌پذیر است. اصلاح ساختاری دولت (تغییر در ساختار، نقش و وظایف دولت) و همچنین توانمندسازی و کارایی آن، افزایش سطح مشارکت سیاسی و تقویت نهادمندی سیاسی، پیروی از حاکمیت قانون، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات و سرانجام حل تعارض‌های گروهی از راه اجماع، از مهم‌ترین اقدام‌هایی است که برای حل چالش‌های پاسخگویی در ایران ضروری است.

منابع

۱. احمدی، کیومرث، مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده (۱۳۹۰). «سیر تکوینی پاسخگویی اجتماعی سازمانی و ارائه مدلی برای بسط مفهومی آن در سازمان‌های دولتی». مدیریت صنعتی. ش ۱۸. ص ۹۷-۱۱۶.
۲. پاک‌سرشت، سلیمان و زین‌العابدین افشار (۱۳۹۶). «ارزیابی برنامه سیاست‌های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب اسلامی». مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی. ش ۲۵. ص ۱۹۷-۲۰۱.
۳. پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۷۸). مبانی دانش و اداره حکومت (مبانی مدیریت دولتی). تهران: سمت.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در سایت ایشان: Khamenei.ir.
۵. دنها، رابرت بی (۱۳۸۸). تئوری‌های سازمان دولتی. ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار - اشراقی.
۶. دهقان‌پور فراشاه، علیرضا و همکاران (۱۴۰۲). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع پاسخگویی عمومی سازمان‌های دولتی در ایران». مطالعات مدیریت دولتی ایران. ۶ (۱). ص ۹۷-۱۲۳.
۷. راسخ، محمد (۱۳۸۸). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی. تهران: انتشارات دراک.
۸. راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.
۹. رُز، ریچارد و گرین پیفر (۱۴۰۰). حکمرانی بد و فساد. ترجمه هدایت کارگرسورکی و سعید عطار. تهران: انتشارات روزنه.
۱۰. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰). «فرایند مردمی‌شدن، پاسخگویی و مدیریت دولتی». مجتمع آموزش عالی قم. ۳ (۹). ص ۵-۶.
۱۱. زرندی، سعید و رضا واعظی (۱۳۹۸). «الگوی جامع مبارزه با فساد اداری بر مبنای

نسبت حکمرانی مطلوب با نظام پاسخگویی در ایران

- محیط بومی ایران». پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۱۲ (۴۵). ص ۱۰۸-۱۸۵.
۱۲. زهیری، علیرضا (۱۳۹۷). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. شفیع‌سردشت، جعفر، علی‌اکبر گرجی ازندریانی و جواد فاضلی‌نژاد (۱۳۹۷). «کژتابی مفهومی نظارت در نظام حقوقی ایران». حقوق اداری. ۶ (۱۶). ص ۸۸-۶۳.
۱۴. شهبازی، محبوب (۱۳۸۰). تقدیر مردم سالاری ایرانی. تهران: روزانه.
۱۵. صبحی، الهه و همکاران (۱۳۹۷). «نقش نظام اداری در ارتقای نظام پاسخگویی (مورد مطالعه: ادارات کل استان تهران). حقوق اداری. ۶ (۱۷). ص ۱۲۹-۱۰۳.
۱۶. طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن (۱۳۸۳). «مبانی فقهی و حقوقی پاسخگویی (گفت‌وگو)». حکومت اسلامی. ش ۳۴.
۱۷. عسقلانی، ابن حجر (بی‌تا). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
۱۸. فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ جامع مدیریت (انگلیسی به فارسی). تهران: پیام پویا.
۱۹. کردنژاد، نسرين (۱۳۹۵). «بررسی اصول حکمرانی مطلوب در قرآن و حقوق عمومی». رساله دکتری گرایش تفسیر تطبیقی. قم: دانشگاه قم.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
۲۱. گارسون، دیوید (۱۳۹۱). فناوری اطلاعات عمومی و دولت الکترونیکی، مدیریت دولت مجازی. ترجمه شعبان الهی و همکاران. تهران: سخنوران.
۲۲. مجلس شورای اسلامی (اداره کل قوانین) (۱۳۶۹). صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ج ۳. تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). یادداشت‌های استاد مطهری. ج ۱۰. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مقدری، مهدی (۱۳۹۸). درس‌هایی از حکمرانی خوب. تهران: نگاه معاصر.
۲۵. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.
۲۶. نقیبی مفرد، حسام (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی‌شدن حقوق بشر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.

۲۷. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. ج ۲. تهران: نشر میزان.
۲۸. هیوز، آون (۱۳۷۸). مدیریت دولتی نوین. ترجمه مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی و غلامرضا معمارزاده. تهران: انتشارات مروارید.
29. Thomas, Vinod, et al (2000). *Quality of Growth*. Chapter 6. Published for World Bank by Oxford University Press.
30. The World Bank (2003). *Better Governance for Development in The Middle East and North Africa*. Washington, D.C. USA.
31. https://iran_bssc.ir/plans_projects/research_fields/empowerment_of_civil_professionals_institutions/18913/